



به بهانه برگزاری اجلاس سران بریکس در پرتغال بررسی شد

بریکس علیه تعرفه‌های ترامپ

صفحه ۸



رئیس‌جمهور در گفت‌وگو با تاکر کارلسون مطرح کرد

اعتماد به روند گفت‌وگو شرط بازگشت به مذاکره

رئیس‌جمهور با تأکید بر این که «ما با مذاکره مشکلی نداریم، اما فجایی که رژیم صهیونیستی در منطقه و کشور ما رقم زده وضعیت را بحرانی کرده است»، گفت: امیدواریم پس از عبور از این بحران، باز بتوان به میز مذاکره بازگشت، البته این نیازمند یک شرط است: اعتماد به روند گفت‌وگو. نباید در میانه گفت‌وگو، مجدداً به رژیم صهیونیستی اجازه حمله داده شود و آتش جنگ آغاز گردد.

مسعود پزشکیان در گفت‌وگویی با تاکر کارلسون خبرنگار آمریکایی مواضع کشورمان در خصوص همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، جنگ اخیر با رژیم صهیونیستی و شرایط ایران برای از سرگیری احتمال مذاکرات با آمریکا را تشریح کرد. متن کامل گفت‌وگو به شرح زیر است.

✽ از شما متشکرم جناب آقای رئیس‌جمهور. به نظر می‌رسد اکنون وقفه‌ای در درگیری میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا ایجاد شده است؛ به‌نظر شما، این وضعیت در نهایت چگونه به پایان خواهد رسید؟ و مایلید این درگیری چگونه خاتمه یابد؟

ما آغازگر جنگ نبودیم و نمی‌خواهیم جنگی ادامه پیدا کند. از روزی که مسئولیت را بر عهده گرفتیم، شعارم ایجاد وحدت در داخل و برقراری صلح و آرامش با همسایگان و جهان بوده است.

✽ شما از صلح سخن می‌گویید، جناب آقای رئیس‌جمهور. از سوی دیگر، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا نیز معتقد است که حمله اخیر دولت آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران ناشی از این باور صورت گرفته که جمهوری اسلامی ایران حاضر نیست از برنامه هسته‌ای خود دست بکشد. به‌زعیم آقای ترامپ، دستیابی به صلح امکان‌پذیر نخواهد بود، مگر آنکه ایران از ادامه این برنامه صرف‌نظر کند.

شرح در صفحه ۷



یک‌سال پس از انتخاب پزشکیان آنچه از نفس نمی‌افتد زمان است. با چشم‌برهم‌زدنی یک سال از پیروزی «مسعود پزشکیان» در انتخابات ریاست‌جمهوری گذشت. مسیر او برای عبور موفق از دالان انتخابات، سخت و پر چالش بود. پزشکیان درحالی‌به عرصه رقابت‌ها وارد شد که اعتماد عمومی به کارآمدی دولت‌ها دچار آسیب بود. بی‌اعتمادی به توان دولت در انجام وظایف خود سایه داشت؛ دیوانسالاری متهم به ناکارآمدی بود؛ فشارهای بیرونی دامنه هرگونه مانور دولت را محدود کرده بود. سرانجام سپهر سیاسی کشور دچار فقدان ایده‌قوی برای برون‌رفت از مشکلات می‌نمود. مسعود پزشکیان در این وضع توانست باردیگر ... و تا اندازه قابل‌قبول _ اعتماد عمومی را برای حضور پای صندوق‌های رأی به خود جلب کند. او در این حال باور داشت که زمان تنگ و فرصت‌ها به مانند ماهی لغزان به سرعت از کف می‌روند؛ اگر کارآمدی جای خود را به کرحتی و تعلل دهد.

رئیس‌جمهور پزشکیان از همان صبح اعلام پیروزش در انتخابات(۱۶تیر۱۴۰۳) و نگاه به حمایت‌های مقام معظم‌رهبری با صراحت و بیانی آمیخته با صداقت گفت که می‌داند که قرار است در مسند ریاست‌جمهوری و دولت چهاردهم چه مطالباتی را نمایندگی کند. او وعده داد که ریاست چهاردهم به گونه‌ای آرایش خواهد یافت که توانایی شناسایی و تشخیص اولویت‌ها را در خدمت وظیفه او اکنون چپش کابینه‌ای بود که برانزده اعتماد به سختی کسب کرد؛ عادی‌سازی نه که امتیاز رایگان است و نه بود که می‌خواهد دولتش پاسخگوی مطالبات آتی، میان مدت و بلند مدت مردم بوده و در این چارچوب منافع و امنیت ملی را نمایندگی کند.

ادامه در صفحه ۲

وضعیت اخراج اتباع افغانستان بررسی شد

افغانستانی‌ها و مرزباریک

بین مهاجرو مهاجم!

صفحه ۷

سوءاستفاده از شرایط سخت معیشت کارگران ساده

آگهی استخدام با آگهی بیگاری؟

صفحه ۶

سخنگوی دولت:

پاسخ ایران محدود نبود دقیق و بی‌سابقه بود

صفحه ۶

چرا جهان عرب دیگر حاضر نیست هزینه همکاری با نتانیاهو را بپردازد؟

سعودی‌ها و امارات یکصدا در مخالفت با جنگ

اسموتریچ، وزیر دارایی اسرائیل نیز اخیراً همین ادعا را در پاداشتی مفصل در شبکه اجتماعی ایکس تکرار کرد و مدعی شد کشورهای عربی بیشترین نفع را از عادی‌سازی خواهند برد و بنابراین، نباید هیچ مطالبه‌ای از اسرائیل داشته باشند. این رویکرد، بارها و به صراحت از سوی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس به‌ویژه عربستان سعودی رد شده است. از منظر زمان، عادی‌سازی نه که امتیاز رایگان است و نه ضرورتی برای سعودی‌ها؛ بلکه تنها زمانی مطرح می‌شود که اسرائیل حاضر به اعطای امتیازهای مشخص و ملموس شود. همین اصل در «ابتکار صلح عربی» سال ۲۰۰۲ هم تکرار شد: برقراری روابط عادی با اسرائیل تنها زمانی امکان‌پذیر است که این رژیم به مرزهای پیش از ۱۹۶۷ بازگردد و برای مسئله پناهندگان فلسطینی راه‌حلی عادلانه ارائه دهد. امارات متحده عربی نیز در سال ۲۰۲۰ با همین منطق به سمت عادی‌سازی با اسرائیل حرکت کرد، هرچند نتانیاهو این توافق را «صلح در برابر صلح» و نه «زمین در برابر صلح» خواند و مدعی شد اسرائیل بهایی برای این توافق نبرداخته است.

با این حال، هیچ‌یک از این ابتکارها به سرانجام نرسیده‌اند. «ابتکار صلح عربی» با مخالفت علنی نتانیاهو در سال ۲۰۱۶ رویه‌رو شد و تصمیم اخیر اسرائیل برای احداث ۲۲ شهر جدید در کرانه باختری، عملاً در تضاد آشکار با اوتیقاتم امارات در سال ۲۰۲۰ قرار دارد؛ همدارگی که صراحتاً اعلام می‌کرد: «ایا الحاق با عادی‌سازی».

همین رویکرد، به افزایش نارضایتی در میان دولت‌های عربی حاشیه خلیج فارس دامن زده است. حتی پیش از آغاز جنگ با ایران، شاهزاده ترکی الفیصل سعودی از مقامات اسرائیل خواسته بود «گوش شنوای خود را اصلاح کنند» و واقعاً به مطالبات عربستان توجه نشان دهند. پیام واضح بود: عادی‌سازی روابط مجانی نخواهد بود و منطقه تشنه صلح و ثبات است، نه جنگ‌های بی‌پایان نتانیاهو. دقیقاً همین نگاه باعث شد حملات بعدی اسرائیل به ایران، احتمال عادی‌سازی را نه تنها افزایش ندهد، بلکه به مراتب تضعیف کند. واقعیت این است که اگر کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس روزی تصمیم به عادی‌سازی بگیرند، هزینه آن برای اسرائیل بسیار سنگین‌تر از پیش‌بینی‌های تل‌آویو خواهد بود؛ البته اگر اصلاً چنین توافقی عملی شود.

اما این معادله به زمانی تعلق داشت که هنوز میان ریاض و تهران توافقی حاصل نشده بود و اسرائیل جبهه‌ای ویرانگر در غزه نشوده و دامنه جنگ را مرزهای خود نگشایند بود. امروز که اسرائیل بمباران‌هایش را روانه ایران کرده، دولت‌های خلیج فارس در مواجهه با جمهوری اسلامی، دیپلماسی را به مراتب مؤثرتر و کم‌هزینه‌تر از هر گونه تقابل نظامی می‌دانند؛ راهبردی که بیش از هر زمان دیگری در عرصه عمل نمود یافته است.

در سوی دیگر، افکار عمومی این کشورها نیز نسبت به گذشته، به‌مراتب بیشتر از کشتار غیرنظامیان در غزه و سایر مناطق به‌تازده و خشمگین هستند. رسانه‌های سعودی روز به روز با لحن تندتری به سیاست‌های اسرائیل و شخص نتانیاهو حمله می‌کنند؛ انتقاداتی که با آغاز حملات اسرائیل به ایران نه تنها فروکش نکرده، بلکه این باور را در افکار عمومی عربستان عمیق‌تر ساخته که منبع اصلی بی‌ثباتی منطقه، نتانیاهو و سیاست‌هایش است. این تحولات از تقویت جبهه افکار عمومی و نخبگان عربی علیه رویکردهای تل‌آویو حمایت دارد.

در همین چارچوب، عربستان سعودی قاطعانه اجازه نداد حريم هوایی‌اش در اختیار جنگنده‌های اسرائیلی و آمریکایی برای حمله به ایران قرار گیرد. این رویکرد همچنین توضیح می‌دهد چرا محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی، بلافاصله پس از آغاز آتش‌پس با مسعود پزشکیان تماس گرفت و طرفین بار دیگر بر ادامه سیاست تنش‌زدایی میان ریاض و تهران تأکید کردند.

در نهایت، کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس به‌ویژه عربستان، مصراته خواستار توقف درگیری‌ها هستند، حال آن‌که نتانیاهو همچنان بر ادامه جنگ اصرار می‌ورزد؛ نتیجه این پافشاری، دور شدن شرکای بالقوه از پروژه عادی‌سازی روابط با اسرائیل است. به‌عبارتی، سگ نگهبان حالا از مهار خارج شده است.

هشدار سعودی‌ها به اسرائیل: گوش شنوا داشته باشید یا عادی‌سازی محقق نمی‌شود

یکی دیگر از اشتباهات راهبردی اسرائیل، رویکردی است که نتانیاهو در پیش گرفته و بارها مدعی شده است که با پیشنهاد عادی‌سازی، در واقع به جهان عرب امتیاز می‌دهد. بتسلیل

کشانده است. مقام‌های سعودی همچنان از اظهارات زمستان گذشته نتانیاهو که پیشنهاد داده بود فلسطینی‌ها می‌توانند کشورشان را در سرزمین عربستان تشکیل دهند، آزرده‌اند؛ مخصوصاً آنکه نتانیاهو اندکی بعد ادعا کرد فرایند عادی‌سازی با ریاض رسماً آغاز شده، ادعایی که نارضایتی سعودی‌ها را بیش از پیش شعله‌ور ساخت.

در آن سوی ماجرا، جنگ‌های بی‌پایان نتانیاهو موجب شده برخی کشورهایی که پیش‌تر با امید دستیابی به صلح به توافقات ابراهیم پیوسته بودند، حالا در خفا از سرخوردگی و تحقق‌نیافتن آرمان‌هایشان سخن بگویند. سودان به دنبال انسرگیری روابط با تهران است؛ بحرین از هفتم اکتبر تاکنون سفیری به تل‌آویو اعزام نکرده و حتی امارات متحده عربی که همواره از جبهه ضدحماس حمایت می‌کرد، حملات اسرائیل به ایران را محکوم نمود و همراه با عربستان و قطر، صراحتاً به ایران به سرانجام رسیدن جنگ آمریکا به جنگ مخالفت نشان داد.

انور قرقاش، یکی از چهره های اصلی سیاست خارجی امارات، تنها چند روز پس از شروع حمله اسرائیل، در صفحه ایکس خود نوشت: «حمله اسرائیل به ایران و ادامه این درگیری، نقطه عطفی است که تأثیرات عمیقی بر هر دو کشور و کل منطقه بر جا خواهد گذاشت.» او پس از برقراری آتش‌پس نیز تأکید کرد: «کشورهای عضو شورای همکاری خلیج [فارس] موضعی قاطعانه در مخالفت با جنگ میان اسرائیل و ایران اتخاذ کردند و در تمامی مجامع بین‌المللی برای مهار تنش و دستیابی به راه‌حلی سیاسی تلاش کردند.»

پایان نقش اسرائیل به عنوان «نگهبان امنیت منطقه»؛ چرا

خلیج‌فارس به دیپلماسی روی آورد؟

مجموعه این رخدادها، بنیان‌های روایتی را که نتانیاهو با جدیت تلاش می‌کند پیوند عادی‌سازی روابط را محصول پیروزی نظامی اسرائیل بر جمهوری اسلامی نشان دهد، به شدت لرزان کرده است. پیش‌تر، همسویی منافع میان اسرائیل و کشورهای عربی خلیج فارس به‌ویژه عربستان، امارات و بحرین بر محور مهار تهدید ایران و تصویرسازی از اسرائیل به عنوان «نگهبان امنیت منطقه» استوار بود؛ مسیری که نتانیاهو دنبال می‌کرد تا به جهانیان بقبولاند می‌تواند به نیابت از دیگر کشورها، مقابل اقدامات بی‌ثبات‌کننده تهران بایستد.

عملیات نظامی اسرائیل علیه ایران نه تنها چشم‌انداز عادی‌سازی روابط با عربستان و سایر کشورهای عربی را بهبود بخشید، بلکه موجب افزایش فاصله و نارضایتی این کشورها از تل‌آویو شده است.

به گزارش فرارو به نقل از روزنامه هآرتس، ورود مستقیم بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، به تقابل با ایران، معادلات منطقه خاورمیانه را به طرز کم‌سابقه‌ای دگرگون و آینده‌ای پرابهام را رقم زده است. با این وجود، نکته‌ای که تغییر نیافته، اصرار نتانیاهو بر این روایت است که اسرائیل توانایی نبرد همزمان در چندین جبهه را دارد و همزمان قادر است مسیر عادی‌سازی روابط دیپلماتیک خود را با قدرت ادامه دهد. او بارها وعده داده که پس از این رویارویی نظامی، موفق خواهد شد عربستان سعودی را نیز به فهرست کشورهایی که با اسرائیل روابط رسمی دارند بپیفزاید.

پروژه «خاورمیانه جدید» نتانیاهو: رؤیای قدرت یا توهم

پیروزی؟

بنیامین نتانیاهو پس از پایان عملیات نظامی علیه ایران، در شبکه اجتماعی ایکس مدعی شد که «پیروزی اسرائیل افاق‌های تازه‌ای برای گسترش توافقه‌ای صلح در منطقه می‌گشاید». از نگاه او، سعودی‌ها صرفاً به دلیل نگرانی از واکنش محور مقاومت تحت رهبری ایران تاکنون وارد صلح با اسرائیل نشده‌اند. به باور نتانیاهو، جنگ اخیر با تهران آخرین سد مسیر پروژه «خاورمیانه جدید» را کنار زده است. انگیزه او از القای این روایت برای افکار عمومی اسرائیل کاملاً روشن است: نتانیاهو در آستانه انتخابات، تلاش می‌کند خود را معمار نظم نوین و قهرمان ثبات منطقه‌ای جا بزند؛ رهبر مقتدری که اسرائیل را به محور دیپلماسی خاورمیانه تبدیل کرده و شبکه‌ای گسترده از روابط با بازیگران اصلی منطقه رقم زده است.

اما در سمت مقابل، برداشت عربستان سعودی کاملاً متفاوت است و اختلاف اصلی، تضاد منافع میان دو طرف است. اسرائیل همچنان به رؤیای بازآرایی نظم منطقه بر پایه قدرت نظامی خود دل بسته، در حالی که سعودی‌ها بر ضرورت آتش‌پس و بازگشت به وضعیت گذشته تأکید دارند. پافشاری نتانیاهو بر تحقق «پیروزی کامل» بر حماس و ایران، عملاً مذاکرات و تعاملات منطقه‌ای اسرائیل را به بن‌بست

گروسی:

مسئله هسته‌ای ایران با اقدام نظامی حل نمی‌شود

افزود: «در هر سناریوی قابل تصور، باید به یک توافق دیپلماتیک دست یافت. بخشی از این توافق باید یک سیستم راستی‌آزمایی بسیار خوب را شامل شود، یک ساختار مناسب مورد نیاز است، در غیر این صورت با یک توافق بسیار شکننده روبرو خواهیم شد.»

طبق گزارش روزنامه گارتزا پراونا، گروسی مدعی شد: «در حال حاضر، به نوعی غیرمستقیم گفت‌وگوهایی در جریان است. ما در مرحله پس از جنگ هستیم.»

او همچنین ابراز امیدواری کرد که به زودی «ما شتاب بیشتری خواهیم گرفت و به ایجاد این توافق کمک خواهیم کرد.»

خواسته گروسی برای «ایفا نقش آژانس در هرگونه توافق احتمالی بین ایران و آمریکا» درحالی است که که گزارش جانب‌دارانه او درباره برنامه هسته‌ای ایران، موجب صدور قطعنامه‌ای در شورای حکام شد که صهیونیست‌ها به

استناد به همان، جنایت خود در حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران را توجیه کرده‌اند.

«مسعود پزشکیان» رئیس‌جمهور اسلامی ایران، در راستای اجرای اصل ۱۳۳ قانون اساسی، قانون «الزام دولت به تعلیق همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی» را که در جلسه چهارم تیر ۱۴۰۴ مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده و در همان تاریخ به تأیید شورای نگهبان رسیده بود، جهت اجرا به سازمان انرژی اتمی، شورای عالی امنیت ملی و وزارت امور خارجه ابلاغ کرد.

این اقدام در پی حملات متجاوزانه آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه تأسیسات هسته‌ای ایران صورت گرفت؛ حملاتی که به‌گفته مقامات ایرانی، در پی گزارش جانبدارانه و سیاسی گروسی انجام شده و ناقض منشور سازمان ملل بوده است. بر این اساس، جمهوری اسلامی ایران تصمیم گرفت سطح همکاری‌های خود با آژانس را مورد بازنگری قرار دهد.

خبر

نیویورک تایمز:

اسرائیل دروغ می‌گوید؛ حمله به اوین نمادین نبود

رسانه آمریکایی بر اساس گفت‌وگو با شاهدان عینی حمله به زندان اوین، نزدیکان و خانواده زندانیان و تحلیل تصاویر ماهواره‌ای جزئیاتی را از ابعاد این حمله ارائه داد که نشان می‌دهد آسیب‌های بر جای ماند از این حمله با ادعای رژیم صهیونیستی مبنی بر «نمادین» بودن این حمله غیرقانونی به مکانی غیرنظامی فاصله زیادی دارد.

به گزارش ایسنا، رسانه آمریکایی با پرداختن به آسیب‌های وارده‌شده به زندان اوین در پی حمله متجاوزانه و غیرقانونی رژیم صهیونیستی به این مکان غیرنظامی در طی ۱۲ روز جنگ تحمیلی با ایران نوشته حمله به این زندان که تلفات و خسارات انسانی زیادی بر جای گذاشته، با محکومیتی گسترده حتی در میان مخالفان دولت ایران مواجه شد. روزنامه نیویورک‌تایمز با شرح ابعاد حمله به زندان اوین نوشت: در مرکز ملاقات‌های زندان، سقف، دیوارها و کابینت‌های چوبی در مرکز ملاقات زندان به توده‌هایی از آوار تبدیل شده بودند. کاغذهای سوخته و پرونده‌های رنگی در میان اجرها و سیم‌های در هم تنیده این ساختمان دولتی پراکنده شده بودند. شیشه‌های خردشده تخت‌های بیماران و تجهیزات بهداشتی زندان را پوشانده بود. در ادامه این مطلب مطرح شد: این حمله یکی از مرگ‌بارترین حملات جنگ ۱۲ روزه بود. ایران اعلام کرده ۷۹ نفر بر اثر این حمله جان خود را از دست داده و ده‌ها نفر نیز مجروح شده‌اند. انتظار می‌رود شمار قربانیان افزایش یابد. طبق گزارش رسانه‌های ایرانی، کنشگران و گروه‌های حقوق بشری، اعضای خانواده زندانیان که برای ملاقات آمده بودند، مددکاران اجتماعی، یک وکیل، پزشکان و پرستاران، یک کودک پنج ساله، سربازان وظیفه‌ای که نگهبان درها بوده‌اند، کارمندان اداری و ساکنان محلی در میان جان‌باختگان و مجروحان این حمله بوده‌اند. رسانه آمریکایی با اشاره به توجیه اقدام غیرقانونی رژیم صهیونیستی برای هدف قرار دادن اماکن غیرنظامی با ادعاهای بی‌اساس نوشت: ارتش اسرائیل از اظهارنظر درباره هدف این حمله به اوین یا تلفات آن اظهارنظر نکرده است. مقام‌های اسرائیلی حمله به زندان اوین را «نمادین» توصیف کرده‌اند. «گدئون ساعر» وزیر امور خارجه اسرائیل در پیامی در شبکه‌های اجتماعی گفت که این حمله هم به تلافی حملات موشکی ایران به زیرساخت‌های غیرنظامی انجام شد و هم به نوعی اقدامی برای آزادسازی بوده است.

ادعای حمله ایران به زیرساخت‌های غیرنظامی درحالی است که طبق اذعان رسانه‌های غربی، ایران به چندین پایگاه نظامی رژیم صهیونیستی حمله کرده است. به نوشته نیویورک‌تایمز «دولت ایران، زندانیان، خانواده‌های آن‌ها، کنشگران و وکلای گفته‌اند اقدام اسرائیل بی‌اعتنایی کامل به جان زندانیان و امنیتشان بوده است. آن‌ها همچنین گفتند زمان این حمله که ظهر یک روز کاری بوده، به این معناست که زندان ملو از ملاقات‌کننده، وکلا، پزشکان و کارمندان دولتی بوده است.» سازمان عفو بین‌الملل اعلام کرد که «حمله اسرائیل به اوین ممکن است جنایتی جنگی باشد». همچنین «آمنین الخیطان» سخنگوی حقوق بشر سازمان ملل گفت که این حمله «نقض آشکار قوانین بین‌المللی حقوق بشر است.»

رسانه آمریکایی با اشاره به این که روایت آن از این حمله در گزارش پیش رو بر اساس گفت‌وگو با ده‌ها خانواده زندانیان، وکلای آن‌ها، زندانیان پیشین که با آن‌ها در تماس هستند و شهادت زندانیان فعلی، عکس‌ها و ویدیوهای ثبت‌شده توسط خبرنگاران مستقل است، نوشت: حوالی ظهر یک روز گرم و غیرقابل تحمل، «ایلا جعفرزاده» مادر ۳۵ ساله دختری یک ساله با کیف اسنادی که در دست داشت، به اوین رسید. مقامات با مرضی همسرش «میلااد خدمتی» موافقت کرده بودند که به دلایل مالی زندانی شده بود.

اولین انفجارها زمانی زندان را به لرزه درآورد که جعفرزاده در حال مکالمه‌ای تلفنی با همسرش به سمت مرکز ملاقات می‌رفت. او فری می‌زند و پشت تلفن به همسرش می‌گوید «بیماران می‌کنند، بمب، بمب، بمب» و بعد تماس قطع می‌شود. «حسین خدمتی» برادرشوهرش گفت یک ترکش به مغزش اصابت می‌کند و جانش را می‌گیرد. حسین خدمتی یک ساعت بعد به صحنه حمله می‌رسد و می‌بیند همه جا را دود، آتش و خون فراگرفته و اجساد، تکه‌پاره‌های لباس و لنگه کفش‌ها در میان آوار پراکنده شده است. نیروهای اورژانس با برانکار مجروحان را وارد آمبولانس می‌کردند. او جسم بی‌جان همسر برادرش را داخل یک کاور جسد می‌یابد. خدمتی می‌گوید، «درک این که لیلا دیگر بین ما نیست و نیلا بدون مادرش بزرگ خواهد شد از توانم خارج است. دادن خبر مرگ همسر برادرم به او سخت‌ترین کاری است که در تمام عمرم انجام داده‌ام.»